مردم، حکمرانی و شفقت حسینی

سیدمصطفی‌هاشمی‌طبا

ظهر تاسوعای امسال در مجلس سوگواری امام حسین(ع) روحانی با فضیلتی که در یکی از نهادهای رسیدگی به محرومان مسئول است، می‌گفت در جریان بررسی‌های میدانی محرومان به صحنه‌هایی برخورد می‌کنیم که هرگز در مخیله انسان نمی‌گنجد که تا این حد محرومیت و بینوایی وجود دارد. او این سخنان را در مراسمی که به خاطر عالی‌ترین مظهرهای شفقت، گذشت و ایثار برپا شده بود، بیان می‌کرد و در میان افرادی که خود را پیرو آن شهدا می‌دانند و در جامعه‌ای که حکومت رفتار آن جوانمردان را الگوی خود می‌نامد. چه شده است که مردم و حکمرانی حاضر که چنین الگوهای بی‌بدیلی چه در گفتار -که حق همسایه بر خودت اولویت دارد- و چه در کردار -که جان خود را در هدایت مردم ایثار کردند- دارند، در میان خود محرومانی می‌بینند که مسئول دردمند از شدت فقر و ناتوانی آنان به فغان می‌آید. چه شده که جامعه‌ای که باید شفقت و احساسات نیک‌خواهانه را از صفت رحمان باری‌تعالی بیاموزد و پیشوایان دینی‌شان مظهر رحم و شفقت هستند، نگاه‌شان به‌صورت عمومی -هم مردم و هم حکمرانی- عملا به سوی تفکر پوزیتیویستی است.

مردم می‌گویند ما گرفتاری داریم و گاهی صدقه می‌دهیم و حکمرانی اصرار دارد که مردم نهضت نیکوکاری داشته باشند و البته هم مردم و هم حکمرانی اقدام‌هایی می‌کنند. پس چرا فریاد آن روحانی فاضل از دردها و زخم‌های محرومان بلند است؟ چرا درحالی‌که دین انسان را به ساحتی جدید در درون می‌راند که دریچه‌های مهر و شفقت و برای دیگران بودن را می‌گشاید، در جامعه چنین می‌گذرد؟ به آمارها که نگاه می‌کنیم، کمیته امداد، بهزیستی، بنیاد مستضعفان و دیگر نهادها سیاهه مفصلی از کمک‌ها می‌دهند. اگر درست است، پس چرا فغان آن عالم دینی برپاست؟ آری این نهادها برابر توانایی خود عمل می‌کنند، ولی نه اعتبار کافی دارند و نه آنکه می‌توانند در برابر تورم مالی و تورم محرومان قدرت خود را حفظ کنند و حکمرانی نیز به‌عنوان یک سیاست عمومی خود را به دست عادی‌شدن برخی امور سپرده است؛ عادی‌شدن اعتیاد، عادی‌شدن فقر و زباله‌گردی، عادی‌شدن قاچاق، عادی‌شدن تورم، عادی‌شدن غش در کالا و معامله، عادی‌شدن اسراف و تبذیر و سرانجام عادی‌شدن محرومیت و فقر و ناداری. به همین دو روز تعطیلی تاسوعا و عاشورای حسینی نگاه کنیم؛ البته عزاداری خوب است، هرچند ابداعات جدید و غیرقابل قبولی در آن دیده می‌شود و البته اطعام هم خوب است، ولی وقتی فراگیر به‌خصوص برای درماندگان نیست، خاصیت خود را از دست می‌دهد و فراموش نکنیم که در تعطیلات چند روز گذشته فقط ۲،۶ میلیون نفر به شمال کشور سفر کرده‌اند. باور نمی‌توان کرد که برای مراسم عزاداری رفته باشند، اما می‌توان باور کرد که میلیون‌ها لیتر بنزین و میلیاردها ساعت وقت را سوزانده باشند تا یکی، دو روز از آب‌وهوای شمال کشور استفاده کرده باشند. هیچ‌کدام از کارهای ذکرشده به معنای مطلق نکوهیده نیست، اما می‌توان اذعان کرد که نظام اجتماعی موجود، چشم بر اتلاف منابع طبیعی کشور بسته است؛ همان‌گونه که در قبال اضافه‌شدن فقر در کشور رفتار می‌کند و این روش، به فقر رو به تزاید بخش عظیمی از مردم و از همه مهم‌تر به فقیرشدن و تکیده‌شدن ایران می‌انجامد. باید باور کنیم که اگر حال ایران خوب نباشد، حال مردم هم خوب نخواهد بود؛ به‌ویژه حال فرودستان و به قول امه سزر دوزخیان زمین. چندین سال قبل از معادن زغال‌سنگ باب‌بیزو کرمان در اعماق زمین بازدید کردم، در آنجا معنی دوزخیان زمین را خوب فهمیدم؛ اگرچه آنان دوزخیان زیرزمین بودند و پس از چند سال کار به نابودی ریه و معلولیت تمام دوران کوتاه زندگی دچار می‌شدند. نمی‌دانم اینک آن کارگران کجا هستند و جانشینان آنها در چه موقعیتی به سر می‌برند، اما می‌دانم دوزخی‌بودن همچنان ادامه دارد و کمک‌های گاه‌وبیگاه نیکوکاران و سازمان‌های مردم‌نهاد (که نامش را به سازمان‌های اجتماعی) تغییر داده‌اند، نمی‌تواند مشکل را حل کند. عاشورا و عزاداری سالانه سالار و سرور شهیدان باید این حسن را داشته باشد که ایثار، شفقت و مهربانی آن سفینه نجات و ابوالفضل و برادرانش و سایر شهدا را در ما و در حکمرانی ما بیدار کند. به این اعتقاد دارم که مردم از چنین ظرفیتی برخوردارند؛ زیرا اصل شفقت در قلب تمام آموزه‌های دینی و اخلاقی معنوی جهان، به‌خصوص اسلام و نهضت حسینی وجود دارد و همواره ما را فرامی‌خواند که با دیگران به‌گونه‌ای رفتار کنیم که خودمان دوست داریم با ما رفتار شود و حکمرانی به‌عنوان چکیده ملت به همراه مردم نیز چنین باید باشد و آنگاه می‌تواند هم‌افزایی لازم را برای رفع محرومیت داشته باشد و فراموش نکنیم که الناس علی دین ملوکهم.

شب دراز است...

سیدجمال‌هادیان‌طبائی‌زواره

پدر بانیان وضع موجود را درآوردید! این مکنون دل این روزهای برخی از سیاسیون یا طرفدارانِ آنهاست. اما بانیان وضع موجود چه کسانی هستند که باید پدرشان درآید؟ بی‌تردید همه کسانی که این چنددهه مسئولیتی داشته‌اند به تناسب عملکردشان در به‌وجودآمدن مشکلات پیش‌روی ملت ایران شریک هستند. حالا اگر دنبال بانی وضع موجود می‌گردید، در آینه نگاه کنید، به‌وضوح او را خواهید دید! همه دولت‌ها و حتی ملت به نحوی بانی این وضعیت هستند. اما اینکه چطور جرئت و جسارت می‌کنید و انتخاب دموکراتیک رأی‌دهندگان را زیر سؤال می‌برید بسیار جای شگفتی دارد!؟ همان‌گونه که شهید رجایی با رأی مردم رئیس‌جمهوری شد، انتخاب بنی صدر به ریاست‌جمهوری هم با رأی مردم بود. همان‌طورکه هاشمی‌رفسنجانی با رأی مردم رئیس‌جمهوری شد، سیدمحمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد هم با رأی اکثریت رأی‌دهندگان انتخاب شدند و این موضوع درباره حسن روحانی و سید ابراهیم رئیسی هم صدق می‌کند. آیا قبول ندارید!؟

فرض کنیم برخی از این انتخاب‌ها نادرست بوده است، که بوده است! چرا شما منتخب را تخریب و تقبیح می‌کنید؟ قاعدتا شما باید انتخاب‌کنندگان را، یعنی اکثریت رأی‌دهندگان را سرزنش کنید اما چون از مردم خجالت می‌کشید! چون نمی‌خواهید در برابر عزم و تصمیم آنها، چه درست و چه اشتباه، قد علم کنید، لاجرم به منتخب آنها چنگ می‌اندازید نه به خود آنها!

تجربه دیرینه حکومت‌داری در ایران نشان می‌دهد که این شتر درِ خانه شما هم می‌خوابد، درِ خانه شما که هیچ، بلکه اگر در بر همین پاشنه بچرخد، درِ خانه دولت بعد از دولت شما هم خواهد خوابید. مگر اینکه هرچه‌زودتر به خود آیید و شیوه ناپسند و نکوهیده تهمت‌زدن و تخریب دولتمردان پیشین را ترک کنید و به جای آن الفت و برادری با اسلاف و تکریم بزرگان و پیشکسوتانِ خردمند و دغدغه‌مند را جایگزین کنید.

البته تاختن و تخریب به اسلاف و از اسب‌افتادگان در فرهنگ ما دیرپاست، پاشنه آشیلی که همیشه وبال گردن ایرانیان بوده است؛ از کدخدای دهی در دوردست تا دهدار، شهردار، فرماندار، استاندار، وزیر، معاون وزیر، رئیس سازمان، معاون رئیس‌جمهور و خود رئیس‌جمهور، همگی تحت تأثیر نوعی فرهنگ رایج، کارگزاران قبلی را تقبیح و عملکردشان را تخطئه کرده‌اند و خود را صالح و برحق و نفرات پیش از خود را ناصالح، کارنابلد و مستوجب تنبیه و موآخذه دانسته‌اند!

اگر نگاه اجمالی به تاریخ چند سده گذشته بیندازیم، نشانه‌های این خوی مذموم به روشنی هویداست؛ جایی که فرمانروایان ایرانی تحت‌تأثیر توهم توطئه، موفق‌ترین وزیران خویش را از «ساروتقی» تا «میرزاتقی‌خان امیرکبیر» و «قائم‌مقام فراهانی» کشتند. فرزندان، برادران و عموزاده‌های خود را هم کور یا به قلعه قهقهه تبعید کردند. نادرشاه فرزند برومندش «رضاقلی میرزا» را با همین توهم کور کرد و همین امر دودمان افشاریه را به باد داد. آغامحمدخان قاجار حتی به استخوان‌های پوسیده وکیل‌الرعایا هم رحم نکرد و آن را زیر پلکان کاخ گلستان دفن کرد تا هر روز پا بر آن گذارد.

شما که نمی‌خواهید میراث‌دار چنین رفتار نادرستی باشید؟ پس با اسلاف، بزرگان و مشاهیر خود چنین و چنان نکنید. از تخریب و تهمت‌زدن به آنها بپرهیزید و سخن نسنجیده بر زبان نیاورید که دنیا دار مکافات است و «گندم از گندم بروید جو ز جو».

دانش‌های ضمنی و فوت‌وفن‌های مدیریتی به سادگی به دست نمی‌آید و در هیچ کتابی هم مستند نمی‌شود اما در سینه مدیران کارکشته و پیشکسوت ثبت می‌شود. نمی‌توان در هر دوره چرخ را از نو اختراع کرد و هر تجربه‌ای را از نو آزمود، بلکه هر دولتی باید ایده‌ها و آمالش را بر دانش و تجربه‌های موفق و مستحکم دولت‌های قبل بنا نهد و اگر غیر از این باشد مملکت عقبگرد خواهد کرد یا دستکم درجا خواهد زد. این دانش‌ها و تجربیات باید در دولت‌های متوالی هم‌افزا شود تا گره‌گشای مشکلات کلانِ پیش‌رو باشد اما شوربختانه تحت‌تأثیر همان خوی ناپسندِ تاریخی، چنین دانش‌ها و تجربیاتی به هیچ انگاشته شده، اغلب از بین رفته‌اند. سرمایه‌سوزی‌ای بدتر از این وجود دارد؟

خردمندانِ عالَم حتی از دانش و تجربه دشمنانشان نیز بهره می‌برند تا برسد به خودی‌ها و دلسوزان نظام که همه عمر برای پایداری ایرانِ اسلامی تلاش کرده‌اند! نگاه کنید به دولت آمریکا که به اعتقاد ما دروغ‌گو، جنایتکار و دارای خوی استکباری است. قاعدتا دولتی با چنین ویژگی‌های مذموم و رذالتی باید اخلاق را هم زیر پا نهد، اما هر زمان رویداد رسمی‌ای در کاخ سفید برپاست از کارتر ۱۰۵ ساله تا جرج بوش پدر، سوار بر ویلچر (البته تا زمانی که در قید حیات بود)، بوش پسر، کلینتون، اوباما و ترامپ در عین اختلاف‌نظرهای اساسی دعوت می‌شوند و با عزت و احترام بالای مجلس می‌نشینند. به نظر شما این رعایت اخلاق در ینگه دنیا جای تعجب ندارد؟ همین عزت و احترام درباره دانشمندان، هنرمندان، پدران و مادران، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های آنها هم با تفاوت‌های فرهنگی ویژه آن جامعه، وجود دارد. حالا اگر تهمتِ غرب‌زدگی به منِ ایران‌دوست نمی‌زنید، از شما سؤال می‌کنم چطور ما که داعیه اخلاق اسلامی داریم برای بزرگانِ و پیشکسوتانِ خردمند خود عزت و حرمت قائل نیستیم؟ بلکه آنان را به‌عنوان مقصران وضعیت نابهنجار کشور و بانیان وضع موجود معرفی و متهم می‌کنیم. این رفتار و گفتار ناشی از کدام مکتب است؟ در سلوک شیعه آل علی که چنین چیزی نداریم. تکلیف خودتان را روشن کنید! امیر کلام، مولا علی (ع) فرمود: «أَکرِموا کَریمَ کُل قومٍ و إن خالفَکُم؛ بزرگواران هر ملت را گرامی بدارید، اگرچه مخالف شما باشند».

حالا که لباس سیاه بر تن دارید و سوگوار حضرت ابا عبدالله هستید و پای روضه حضرت سیدالشهدا اشک می‌ریزید، سری هم به دل خویش بزنید و با توبه و انابه سیاهی آن را بزدایید.

تا دیر نشده بازگردیم که شب دراز است و قلندر بیدار و آسیا به نوبت...

جامعه مهندسی بعد از فاجعه متروپل و سرنوشت شهرهای ما

ترانه یلدا
معمار و شهرساز

طرح مسائلی که منجر به فاجعه متروپل آبادان شد، در صحن عمومی رسانه‌ها، در وهله اول باعث شد هشدارهایی برای ساختمان‌های پرآسیب کلان‌شهرها به‌خصوص در تهران مطرح شود! همچنین بی‌اعتنایی جامعه و به‌ویژه مسئولان بخش‌های عمومی و دولتی به نقش و نظرات جامعه مهندسین و صنف معمار و شهرساز -به عنوان عاملان شکل‌گیری فضای زندگی در جامعه شهری- بار دیگر برخی کاستی‌ها و خطاها را نشانه گرفت و به موضوع دغدغه حرفه‌مندان تبدیل کرد. از یک سو لیست بلند ۱۲۹ ساختمان آسیب‌پذیر در تهران بزرگ مورد پرسش قرار گرفت و از سوی دیگر افشای مشکلات زمین‌شناسی و نفوذناپذیری منطقه ۲۲ تهران، زنگ خطر فاضلاب‌های سرگردان و فرونشست زمین در این منطقه بزرگ و نوساز تهران، مسئله کیفیت ساختمان‌های مسکونی وعده داده‌شده برای طبقات فرودست‌تر در جنوب شهر تهران و مهم‌تر از همه، بی‌قانونی‌ها و بلاتکلیفی‌هایی که در درون جامعه مهندسی و در ارتباط بین دولت و شهرداری با نظام‌های مهندسی وجود دارد را به رخ کشید. گفته شد که قانون نظام مهندسی نیاز به اصلاح دارد. تشکیل شرکت‌های صوری و اضافه‌فروشی و کاغذبازی صرف در تشکل‌های صنفی و حرفه‌ای کار جالبی نیست، تداخل وظایف میان شهرداری و نظام مهندسی ساختمان، حاکمیت و نظارت حرفه مهندسی بر روند فنی کارها را زیر سؤال برده و مهندسان خوب را خانه‌نشین کرده و... . در این میان چهره‌های شاخص جامعه مهندسی و ازجمله مسئولان و کارشناسان سابق و فعلی نیز اظهارنظرهایی کردند که من یادداشت امروزم را از آن گفته‌ها استخراج می‌کنم. شاید در اذهان عمومی جامعه شهری ما هنوز ساختاری درباره روندهایی که به این ساخت‌وسازهای پرشتاب در شهرهایمان انجامیده است، شکل نگرفته باشد. هیچ نهادی این توسعه کالبدی افسارگسیخته و گاه بیمارگونه را به نقد جدی نکشیده است و این روندهای معیوب هر روز تقویت و تبلیغ هم می‌شوند. قبلا گفته بودیم که نظام مهندسی و کنترل نظام ساختمان جامع‌ترین نظامی است که از مرحله تعریف پروژه، انتخاب مهندس و یا مهندسان طراح تا مرحله بهره‌برداری در بخش ساختمان در ایران وجود دارد. کلیه فعالیت‌های مهندسی از دو جهت باید با قانون مطابقت داده شوند؛ یکی از جهت ضوابط معماری و شهرسازی؛ یعنی اینکه ساختمان چندطبقه باشد، چه سطح اشغالی داشته باشد، نحوه دسترسی به معابر عمومی و سیستم اطفای حریق و راه فرار آن چگونه باشد. موضوع دوم اما از جهت انطباق با مقررات ملی ساختمان است که طی سالیان توسط متخصصین در وزارت راه و شهرسازی، در ۲۲ مبحث تهیه و مصوب شده‌اند. ورود شهرداری به امر کنترل نیز از حیث تأمین منافع عمومی مردم شهر است. حال، سازمان‌های نظام مهندسی استان‌ها همواره وظیفه نظم‌دادن و هماهنگی امور مهندسان، کمک به دولت و شهرداری‌ها در حسن اجرای مقررات ملی ساختمان و ضوابط معماری و شهرسازی و همچنین رسیدگی به تخلفات انتظامی مهندسان را به عهده داشته‌اند. این نهادها، به آموزش و ارتقای سطح دانش و مهارت مهندسان، دادن بازخورد به مراجع تدوین مقررات ملی ساختمان درباره نقاط قوت و ضعف مقررات و همچنین همکاری با دولت و شهرداری‌ها در فرایندهای طراحی، اجرا و نظارت ساختمان و بررسی تخلفات احتمالی مهندسان اقدام می‌کنند. بنابراین در قانون در ارتباط با نظام مهندسی و کنترل ساختمان، چهار رکن مهندس، کنترل‌کننده (شهرداری‌ها)، وضع‌کننده مقررات و داور (دولت یا همان وزارت راه‌وشهرسازی) و تنظیم‌کننده امور حرفه‌ای مهندسان (سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان استان‌ها) تعریف شده و وجود دارند. اما چرا این سیستم که کم‌وبیش در تمام دنیا وجود دارد، در کشور ما دچار اختلال و کاستی شده است؟ می‌گویند مشکلات از نیمه سال‌های ۸۰ از زمانی آغاز شد که سازمان نظام مهندسی به کمک شهرداری رفت و نقش توزیع‌کننده کار مهندسی را به عهده گرفت. در نتیجه ارجاع کار مهندسی، کوپنی و بدون دخالت و انتخاب مالک و یا کارفرما صورت گرفت و دیگر آن رابطه مسئولانه و انسانی بین ناظر ساختمان و مالک به هم خورد. مانند این بود که نظام پزشکی برای بیمار تصمیم بگیرد که به کدام پزشک مراجعه کند.

نظر نظام مهندسی ظاهرا این است که قطع رابطه میان مالک و ناظر خوب است و ناظرِ انتخابیِ نظام مهندسی، بهتر و مستقل از نظر کارفرما خواهد توانست بر روند فنی کار ساختمان نظارت کند. اما در اصل موازی‌کاری انجام می‌گیرد و مالک یا مالکین به‌هرحال ناظران اجرائی خود را دارند و ناظر تعیین‌شده از سوی نظام مهندسی را هم به‌عنوان یک موضوع صوری و تحمیل‌شده می‌پذیرند و این درواقع نوعی بوروکراسی تحمیل‌شده است و در حرفه‌های دیگر تخصصی مانند پزشکی و وکالت و... نیز هرگز چنین نبوده و نیست. اما از نظر تشکیلات و سازماندهی ساخت‌وساز در شهرها، امروز دیگر ابعاد کار در ساختمان‌سازی طوری نیست که رسم باشد کسانی بخواهند در مقیاس کوچک فقط برای خود و خانواده‌شان ساختمان بسازند. این مقیاس شاید فقط برای اقشار مرفه مطرح باشد و امروزه دیگر معمولا ساخت‌وساز در حد مقیاس‌های بزرگ‌تر صورت می‌گیرد. سازندگان بزرگ یا انبوه‌سازان هم معمولا در کشور ما بر دو نوع‌اند. یکی آنها که حالت دیولوپر (developer) دارند و با سرمایه خود مثلا در شمال شهر تهران ساختمان لاکچری می‌سازند و دیگر آنان که با کارفرما و بودجه دولتی حالت پیمانکار دارند و مثلا مسکن مهر یا خانه‌های سازمانی می‌سازند و زیاد هم ریسک نمی‌کنند و درنتیجه در پی ارائه کیفیت بالایی هم نیستند. درضمن، از سال‌های ۸۰ به‌خاطر حجم بالای تراکم ساختمان‌های مسکونی مالکین خصوصی و نیز دولتی، کسانی که رسما مأمور می‌شوند نظارت فنی یک ساختمان را به‌عهده بگیرند، طبق کوپن‌های تعیین‌شده بر اساس متراژ، چند مهندس ناظر هستند که مشترکا این کار را انجام می‌دهند. درنهایت، ظاهرا رسم بر این شده که مالک ساختمان یک بار طراح، ناظر و مجری خود را انتخاب می‌کند تا کار را مطابق خواسته و سلیقه او انجام دهند و یک بار نیز برای اخذ مجوزهای قانونی از شهرداری و سایر مراجع صدور پروانه و کنترل ساختمان به سراغ طراح، ناظر و مجری معرفی‌شده از سوی سازمان نظام مهندسی ساختمان می‌رود. و داستان امضافروشی و ازکف‌رفتن عنان کار مهندسی نیز گویا از همین جا شروع شده است. یعنی امضاکنندگان در زیر پروانه ساختمانی ممکن است افراد دیگری باشند که حتی در برخی موارد ممکن است که اصلا طرح را ندیده باشند. این کار قاعدتا زیاد حرفه‌ای نیست و شایسته است حرفه‌مندان رشته‌های معماری و شهرسازی در درون حرفه خود، گفت‌وگوهایی برای اصلاح روندهای عملی ساختمان‌سازی را آغاز کنند و سامان دهند تا هم صنعت ساختمان از نوعی نظم نسبی بهره‌مند شود و هم حرفه معماری و ملحقات آن اقتدار فنی و اجتماعی خود را دیگر بار به دست آورد.

جدول ۴۲۹۰ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- پراکندگی- طرز عمل- موسیقی‌دان آلمانی قرن نوزدهم با اپرت‌های معروف ۲- فاقد تحرک - هدیه- از اجزای مهم موتور خودرو ۳- لغت‌شناس- گروهی- هفتمین خلیفه عباسی و پسر هارون‌الرشید ۴- از درجات نظامی- از مقام‌های کلیسایی- سنگ آسیاب ۵- از آن شکلات تهیه می‌شود- خارج- پارچه نوشته تبلیغاتی ۶- اصل هر چیز- پاک از تهمت- موی بلند ۷- هادی الکتریسیته- صفت باد- از غذاهای محلی شمال خراسان ۸- لقب این شاعر، طوطی بوده است ۹- گرامی، بزرگوار- از آبزیان مهم دریاهای جنوب ایران- واحد غیررسمی پول ایران ۱۰- بنیان‌گذار- حرف اول یونانی- حرف همراهی ۱۱- مادر دستگاه‌های موسیقی ایرانی- خوراک قناری- درز لباس را بازکردن ۱۲- نت چهارم- قسمتی از زمان- زاویه ۹۰ درجه ۱۳- جرقه آتش- پیشوا- رشوه‌دادن ۱۴- از طرح‌های شناخته‌شده فرش دستباف ایرانی- منکر وجود خدا- جانور بی‌مهره دریایی ۱۵- قهوه فوری- دادگاه- استفراغ

عمودی:

۱- کسی که برنج می‌کارد- کوهی که از دهانه آن مواد مذاب بیرون می‌آید ۲- خار- خودداری کردن- بیماری سیاهرگ ۳- حشره‌ای مزاحم- خدمتکار- موبیز ۴- شیره خشکیده گون- سراینده منظومه افسانه- جلاد استالین ۵- راهی که به آخر نمی‌رسد- پرستاری- سنگ قپان ۶- لاستیک داخلی تایر خودرو- سرشت و نهاد- روستا ۷- گروه مجهز- از زبان‌های زنده دنیا- از سیارات سنگی منظومه شمسی ۸- اهلی- تاجر- شکلی هندسی ۹- سرزمین- تخمک- زشت ۱۰- ضمیر بی‌حضور- قسم- اعمال خشونت و سختگیری ۱۱- چاه‌کن- بدزبانی و دشنام گفتن- تکرار یک حرف ۱۲- پنبه‌زن- انبار گندم- نفس سرکش ۱۳- نوعی قایق چوبی- شهر صنعتی و تجاری آلمان- مسجدی قدیمی و تاریخی در استان یزد ۱۴- دیو شاهنامه- جانشینی- سخت و دشوار ۱۵- گام اول در شرایط نجات از بلایاست- محل کسب درآمد

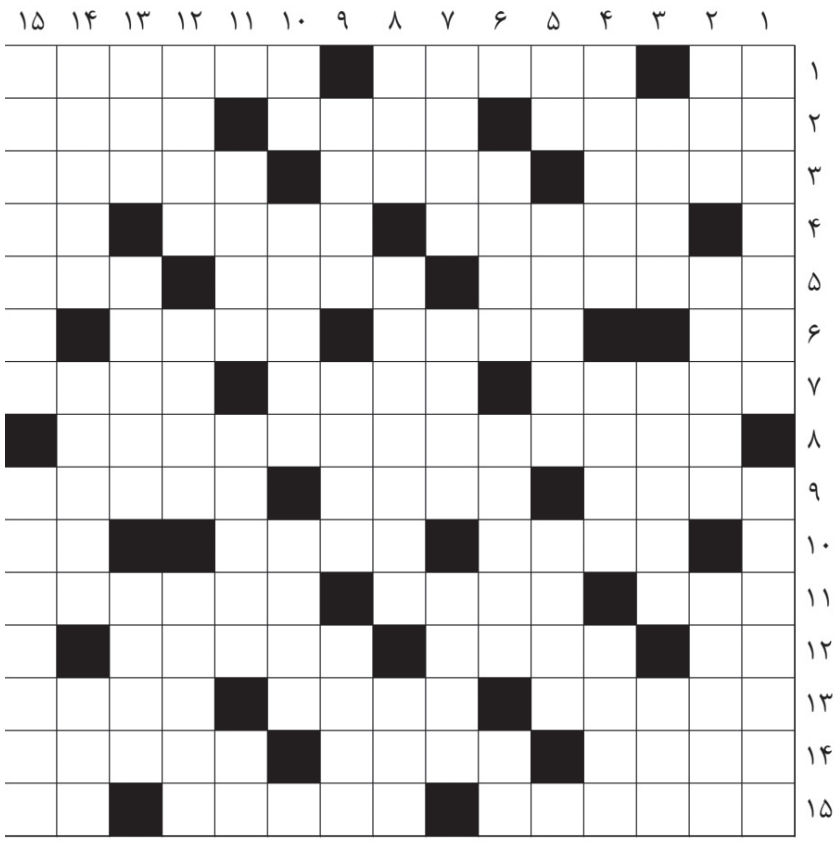

حل سودوکو سخت

۴	۶	۹	۵	۷	۳	۲	۱	۸
۳	۱	۸	۶	۲	۴	۵	۷	۹
۵	۲	۷	۱	۸	۹	۳	۶	۴
۷	۴	۲	۳	۹	۵	۶	۸	۱
۶	۳	۱	۷	۴	۸	۹	۲	۵
۸	۹	۵	۲	۶	۱	۴	۳	۷
۹	۷	۴	۸	۳	۶	۱	۵	۲
۱	۸	۳	۴	۵	۲	۷	۹	۶
۲	۵	۶	۹	۱	۷	۸	۴	۳

حل سودوکو ۳۲۸۵

۶	۳	۵	۹	۱	۷	۲	۸	۴
۲	۱	۹	۶	۸	۴	۵	۷	۳
۴	۸	۷	۳	۵	۲	۶	۱	۹
۹	۲	۶	۱	۷	۵	۴	۳	۸
۳	۴	۸	۲	۶	۹	۱	۵	۷
۵	۷	۱	۴	۳	۸	۹	۲	۶
۸	۹	۳	۵	۴	۱	۷	۶	۲
۷	۵	۴	۸	۲	۶	۳	۹	۱
۱	۶	۲	۷	۹	۳	۸	۴	۵

حل جدول ۴۲۸۹

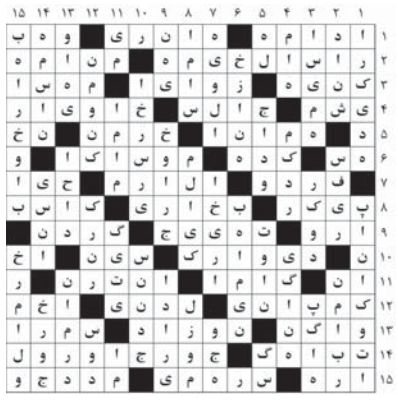

سودوکو سخت ۳۲۸۶

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۱			۳	۶		۸
	۵			۷	۸		۱	
			۶	۱		۲		
		۵					۴	
۴				۹				۶
	۹					۳		
		۷		۶	۴			
	۲		۱	۸			۶	
۱		۶	۵			۹		

سودوکو ساده ۳۲۸۶

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۲		۷	۹		۱		۴
۷	۴				۳		۹	۲
							۵	
		۲			۹	۵	۶	
۴	۵		۶		۱		۸	۳
	۷	۶	۵			۲		
	۱							
۸	۶		۳				۱	۵
۲		۴		۵	۶		۷	